

همایش بین‌المللی بزرگداشت

۲۵۰۰ سالگی خیوه و بخارا

همیاری یونسکو با دولت ازبکستان بلافاصله پس از استقلال این جمهوری عاملی شده که همه‌ساله از سوی دولت این کشور با توجه به فراخور عمومی مراسمی در جهت بزرگداشت و یادبود یک منطقه یا شخصیت فرهنگی برگزار گردد و از این رو آن سال را یونسکو به عنوان یادبود موضوع موردنظر برای ازبکستان به نام همان مناسبت نام‌گذاری می‌کند. سال ۱۹۹۷ مسیحی نیز در راستای چنین سیاستی از سوی یونسکو و دولت ازبکستان به عنوان ۲۵۰۰ سالگی نقش دو شهر خیوه و بخارا در تمدن جهانی نامگذاری شده است و به همین مناسبت مراسمی در تاریخ ۱۸ تا ۲۰ اکتبر برابر با ۲۶ تا ۲۸ مهرماه سال جاری با حضور قریب به ۴۵ میهمان خارجی در دو شهر مزبور برپا شد که اینجانب به همراه آقایان دکتر عبدالرسول خیراندیش عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز و منصور صفت گل عضو هیأت علمی دانشگاه تهران به دلیل ارائه مقاله به کنگره مزبور در آن حضور داشتیم. آنچه در این میان حائز توجه است همکاری صمیمانه و گسترده یونسکو با دولت ازبکستان در میان پنج کشور آسیای مرکزی است. به‌طور کلی یونسکو از سالهای نخست استقلال به دلایل متعددی چون گستردگی و تراکم فضای تاریخی فرهنگی ماوراءالنهر در این جمهوری مصمم شد تا باب یک همکاری درازمدت و اصولی را با ازبکها مفتوح نماید و از این راه بکوشد تا ضمن حفظ یادواره نقش جاده ابریشم در تمدن جهانی به این فضاهای بکر مطالعاتی که برای مدت ۷۰ ساله غیرقابل دسترسی بوده است رخنه کند. حضور و مشارکت یونسکو در آسیای مرکزی از سوی مجموعه پنج جمهوری واقع در این حوزه جغرافیایی با استقبال عمومی و فراگیر مواجه شد؛ چرا که اصولاً این کشورهای نوپا در صحنه جهانی در تکیه و تکیه بوده و هستند که از امکان همکاری با یونسکو بتوانند در جهت حل بحران بزرگ هویتی خود بهره‌گیرند. بحرانی که بی‌توجهی بدان خود به منزله سقوط اصل اجتماعی - فرهنگی در منطقه محسوب شده، به تزلزل ارکان امنیتی هریک از این کشورها می‌افزاید. در میان این پنج جمهوری شاید ازبکستان

به دلیل جغرافیایی از بافت اجتماعی متنوع‌تری نسبت به سایرین برخوردار است. حضور اقلیتهای قومی - مذهبی در این کشور پُرجمعیت آسیای مرکزی بعضاً اسباب بروز ناآرامی‌های ناحیه‌ای را پدید می‌آورد که اگر برای حل آن چاره‌ای اندیشیده نشود، خود می‌تواند عاملی باشد که ساختار سیاسی این کشور را دچار بحرانهای جدی نماید. متأسفانه این موضوع که حفظ امنیت و یکپارچگی همسایگان ازبکستان و خود ازبکستان و تأثیر متقابل این دو در یکدیگر موضوعی است که هنوز مورد اجماع سیاستمداران این جمهوری و همسایگانش واقع نشده و همین امر ناخواسته عاملی می‌گردد که هریک از این کشورها برای برپایی مراسمی از این دست را به عنوان اقدامی خطرناک از نظر فرهنگی برای منافع ملی ارزیابی کند. این عدم درک صحیح از موضوع که در واقع به دلیل سوابق تاریخی دارای اساس مشترک است اگر تداوم یابد خود عاملی خواهد شد که امنیت را در ماوراءالنهر تحت تأثیر قرار داده و اسباب بروز درگیری‌های محدود منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. به باور شخصی که قریب به سه سال و اندی است به موضوعات ماوراءالنهر پرداخته و آنچه بیش از همه در این منطقه روبه تزايد و گسترش است مسئله دستیابی به یک هویت تاریخی - فرهنگی ز سوی یکایک افرادی است که با توجه به مقتضیات زمانی در این واحد جغرافیایی استقرار یافته‌اند. برگزاری کنگره‌های علمی چون «بهالدین نقشبند و نقش او در جهان اسلام»، «میزرالغ بیگ و جایگاه او در علوم»، «امیر تیمور و نقش آن در تاریخ جهان»، «دو هزار پانصدمین سالگی بخارا و خیوه» و نمونه‌های دیگری از این دست مبین آن است که رهبران ازبکستان در پی رهیافتی صحیح و واقع‌بینانه مصمم هستند تا با توجه به موضوعاتی از این دست زمینه لازم برای حفظ یکپارچگی سیاسی و کسب هویت ملی را پدید آورند.

انتخاب دو شهر خیوه و بخارا که یکی به دلیل دورافتادگی و دیگری به دلیل حضور اکثریتی تاجیک در آن به زعم بسیاری از پتانسیلهای لازم برای بروز ناآرامی برخوردار هستند از سوی مقامات ازبکستان، و حضور ریاست جمهوری این کشور در مراسم بزرگداشت نه تنها از لحاظ درک مسئولانه شرایط، قابل توجه است بلکه خود مانعی خواهد شد تا دامنه این انفکاک و گسست فرهنگی امکان‌پذیر نگردد.

صرفنظر از مسائل داخلی، در زمینه بین‌المللی باید گفت که کنفرانس یادشده از سطح

علمی قابل قبولی برخوردار نبود، جمع کثیری از سخنرانان از یک برخلاف تخصصهای تحصیلی خود به ارائه مقالاتی دست زده بودند که نه تنها فاقد محتوای لازم بود بلکه به دلیل عدم آشنایی ایشان با مفاهیم و روشهای تحقیق و مطالعه از اصول اولیه یک تحقیق نیز بهره‌ای نداشت. همچنین در بین مدعوین خارجی نیز، بودند افرادی که به اموری چون بازرگانی مشغول بودند اما برای حضور در کنگره دعوت شده بودند. در یک دیدگاه کلی اگرچه سمینار از پشتوانه علمی خوبی برخوردار نبود اما از حق نباید گذشت که وجود چند چهره شاخص و ارائه قریب به ۱۰ مقاله ارزشمند در این نشست تا حدی سبب تلطیف اذهان را فراهم می‌ساخت.

یک ویژگی مهم دیگر انتخاب‌گزینشی مقالات از سوی برگزارکنندگان محترم بود. علی‌رغم ارائه نزدیک به ۲۰۰ مقاله تحقیقی به دبیرخانه اجلاس تنها $\frac{1}{5}$ مقالات برای حضار قرائت شد و سایر مقالات اگرچه بعضاً با موضوع اصلی نشست دارای سنخیت و همخوانی لازم بود در جلسات کاری ارائه نگردید. نکته قابل توجه دیگر فضای علمی - فرهنگی ازبکستان در پی سالهای پس از استقلال است که این موقعیت خود مبین تحولاتی چند در آینده‌ای نه‌چندان دور است. به یک باور کلی مسئله هویت‌یابی که در آغاز مقال نیز مورد توجه قرار گرفته محور اصلی و ارزشمندی است که باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد. اصولاً چه عاملی سبب شده تا ازبکان ماوراءالنهر در جهت برپایی چنین جلسات گسترده‌ای نه تنها پیشقدم بلکه داعیه‌دار باشند؟ آیا صرفاً این قبیل همایش‌ها به منزله پرتو افکندن به زوایای تاریک تاریخی ماوراءالنهر است؟ و ...

در پاسخ به پرسشهای فوق‌الذکر باید گفت که آنچه سبب شده تا ازبکان به ارائه چنین طرحهایی بپردازند در حقیقت ریشه در حضور سیاسی ازبکان در فضای اجتماعی - سیاسی ماوراءالنهر دارد. اندیشه دولتمداری اقوام آسیای مرکزی تفکر نوینی است که طی سالهای پس از استقلال به فراخور از سوی برخی زعمای حکومت‌های آسیای مرکزی مطرح شده است. آنچه که ایشان را به ارائه چنین نظراتی وادار نموده در واقع تفوق سیاسی هریک از ایشان در منطقه و جذب سرمایه‌های بیشتر خارجی است و شاید از همین زاویه است که هریک از دولت‌های موجود در آسیای مرکزی تلاش دارند بر نقش محوری خود در منطقه تأکید افزون‌تری

نمایند. البته در میان پنج قدرت سیاسی در آسیای مرکزی، نقش کشور ازبکستان با توجه به پیش زمینه‌های تاریخی و نقشی که ازبکان ماوراءالنهر طی چهارصد سال گذشته در منطقه داشته‌اند پُررنگ‌تر نسبت به سایرین می‌نمایند.

توجه بیش از حد سازمانهای جهانی و برخی از دولتهای خارجی به ازبکستان ناشی از همین پیشینه حضور سیاسی ایشان در منطقه است. طی سالهای اخیر به‌طور کلی رهبری ازبکستان کوشیده است تا با چنین فعالیت‌هایی در ایجاد روحیه ملی و احساسات ناسیونالیستی به منظور بهره‌گیری بیشتر از استعدادهای نهفته موجود در کشور سود جوید و بدین‌وسیله بر افزایش جایگاه ازبکستان در معادلات منطقه‌ای بیفزایند. در تحلیل این درک از موضوع باید گفت اقدامات ازبکستان تا آن حدی که به نقش سیاسی این کشور در منطقه مربوط می‌شود امری پذیرفته شده و منطقی جلوه می‌نماید؛ اما آن بخش از دیدگاههای ازبکان که به دور از امکانات و توانهای این کشور عنوان می‌شود نه تنها آرمان‌گرایانه بلکه تا حدی غیرواقعی به‌نظر می‌رسید. مطالبی چون نقش والای ازبکان در تمدن جهانی یا اهمیت فرمانطقه‌ای ازبکستان در تحولات نظام بین‌الملل و ... نمونه‌های جالبی از این تلقین غیرواقع‌بینانه شمرده می‌شود. در مجموع کنگره بزرگداشت خیمه و بخارا و سخنان ریاست جمهوری و سایر مقامات و شخصیت‌های فرهنگی ازبکستان آشکار ساخت که چنین تفکر آرمانی در نزد طبقه خاصی از جامعه ازبک دنبال می‌شود و همین امر موضوعی است که سبب شده تا هیأت حاکمه فعلی چشم از برخی واقعیات موجود در ازبکستان پيوشد که این امر طبیعتاً در درازمدت اثرات سوئی را به دنبال خواهد داشت.

سیدعلی موجانی